

طراحی و اعتبارسنجی الگوی توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دانش‌آموزان: تبیین نقش معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی

اسماعیل خیرزاده، صدیقه رضایی، مریم مختاری عزیزکندی، فاطمه اصغری سراسکانرود

کارشناسی رشته ی تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه امینی تبریز-دبیر تربیت بدنی

esy.mosy99@gmail.com



کارشناسی رشته ی تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا تبریز دبیر تربیت

esy.mosy99@gmail.com

کارشناسی مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور واحد میانه-آموزگار ابتدایی v.mosy99@gmail.com

کارشناسی ادبیات دانشگاه شهید باهنر تبریز-معاون دبیرستان esy.mosy99@gmail.com



MDOI-02-2026.0187
MNR-201-2-B3AA01

تحولات سریع فناوری، تغییرات اجتماعی و اقتصادی، گسترش هوش مصنوعی و ظهور مشاغل نوظهور، نظام‌های آموزشی را با ضرورت بازنگری در اهداف و شیوه‌های آموزش مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، تمرکز صرف بر انتقال دانش، پاسخگوی نیازهای آینده دانش‌آموزان نخواهد بود و مدارس باید زمینه توسعه شایستگی‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، خلاقیت، همکاری، خودتنظیمی، سواد دیجیتال و یادگیری مادام‌العمر را فراهم کنند. این مجموعه از توانمندی‌ها که در ادبیات علمی با عنوان شایستگی‌های آینده‌نگر (Future Competencies) شناخته می‌شوند، از مهم‌ترین الزامات آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی، تحصیل و اشتغال در قرن بیست‌ویکم به شمار می‌روند (UNESCO, 2021; OECD, 2019).

با وجود تأکید اسناد بین‌المللی بر توسعه این شایستگی‌ها، استقرار آن‌ها در مدارس مستلزم مشارکت همه عوامل آموزشی و فراتر از تغییر محتوای برنامه درسی است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دانش‌آموزان با تبیین نقش معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی انجام می‌شود.

پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی متوالی است. در مرحله کیفی، مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی از طریق مطالعه اسناد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی، آموزش ابتدایی، مدیریت آموزشی، روان‌شناسی تربیتی و تربیت‌بدنی استخراج خواهد شد. در مرحله کمی نیز، اعتبار الگوی طراحی شده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدلیابی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

انتظار می‌رود الگوی نهایی پژوهش بتواند چارچوبی مدرسه‌محور برای توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر ارائه دهد و با تبیین نقش مکمل معلمان، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی، زمینه ارتقای کیفیت یادگیری و آمادگی دانش‌آموزان برای مواجهه با چالش‌های آینده را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: شایستگی‌های آینده‌نگر، مدرسه‌محور، آموزش ابتدایی، توسعه شایستگی، معاون آموزشی، دبیر تربیت‌بدنی، مهارت‌های قرن بیست‌ویکم.

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی

Design and Validation of a Model for Developing Students' Future Competencies: Explaining the Roles of Primary School Teachers, Educational Deputies, and Physical Education Teachers

Abstract

Rapid technological advancements, socio-economic transformations, the expansion of artificial intelligence, and the emergence of new occupations have compelled educational systems to reconsider their goals and instructional approaches. Under such circumstances, merely transmitting knowledge is no longer sufficient to prepare students for the future. Instead, schools are expected to foster competencies such as critical thinking, problem-solving, creativity, collaboration, self-regulation, digital literacy, and lifelong learning. Collectively referred to as future competencies, these capabilities are widely recognized as essential for preparing students to thrive in education, work, and society in the twenty-first century (OECD, 2019; UNESCO, 2021).

Despite the strong emphasis of international educational frameworks on developing these competencies, their effective implementation in schools requires the active involvement of all educational stakeholders and extends beyond revising the formal curriculum alone.

Accordingly, the present study aims to design and validate a model for developing students' future competencies by explaining the roles of primary school teachers, educational deputies, and physical education teachers.

This applied study adopts an exploratory sequential mixed-methods design. In the qualitative phase, the components of the proposed model will be identified through document analysis and semi-structured interviews with experts in curriculum studies, primary education, educational management, educational psychology, and physical education. In the quantitative phase, the validity of the proposed model will be examined using confirmatory factor analysis and structural equation modeling.

The final model is expected to provide a school-based framework for developing students' future competencies by clarifying the complementary roles of teachers, educational deputies, and physical education teachers. Furthermore, the proposed model is anticipated to contribute to improving the quality of learning and enhancing students' readiness to address future educational, social, and professional challenges.

Keywords: Future competencies; School-based approach; Primary education; Competency development; Educational deputy; Physical education teacher; Twenty-first-century skills.

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی

مقدمه

جهان معاصر با سرعتی بی‌سابقه در حال تجربه تحولاتی گسترده در حوزه‌های فناوری، اقتصاد، ارتباطات و سبک زندگی است. گسترش هوش مصنوعی، توسعه فناوری‌های دیجیتال، تغییر ماهیت مشاغل، افزایش پیچیدگی مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی و جهانی‌شدن، موجب شده است که نظام‌های آموزشی دیگر نتوانند تنها با انتقال دانش و مهارت‌های سنتی، دانش‌آموزان را برای آینده آماده کنند. در چنین شرایطی، مدارس علاوه بر آموزش مفاهیم درسی، باید زمینه توسعه توانمندی‌هایی را فراهم آورند که دانش‌آموزان را برای مواجهه با موقعیت‌های جدید، تصمیم‌گیری آگاهانه، یادگیری مستمر و سازگاری با تغییرات آینده آماده سازد (OECD, 2019).

در پاسخ به این تحولات، مفهوم شایستگی‌های آینده‌نگر (Future Competencies) در سال‌های اخیر به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری آموزشی در سطح بین‌المللی تبدیل شده است. بر اساس چارچوب OECD Learning Compass 2030، آموزش آینده باید فراتر از انتقال دانش حرکت کند و بر توسعه مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی متمرکز شود که افراد را برای ساختن آینده‌ای پایدار، مسئولانه و خلاق توانمند می‌سازد (OECD, 2019). در این چارچوب، شایستگی‌هایی مانند تفکر انتقادی، خلاقیت، حل مسئله، همکاری، مسئولیت‌پذیری، خودتنظیمی، سواد دیجیتال و یادگیری مادام‌العمر، از مهم‌ترین قابلیت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان محسوب می‌شوند.

گزارش UNESCO با عنوان Reimagining Our Futures Together نیز بر این نکته تأکید دارد که مدرسه آینده باید محیطی برای پرورش یادگیرندگانی باشد که توانایی مواجهه با عدم قطعیت، همکاری بین‌فرهنگی، تفکر اخلاقی و مشارکت فعال در حل مسائل جامعه را داشته باشند (UNESCO, 2021). همچنین گزارش Future of Jobs منتشر شده توسط World Economic Forum (2023) نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مهارت‌های مورد نیاز بازار کار آینده، به مهارت‌های شناختی، اجتماعی و یادگیری مستمر اختصاص دارد و این موضوع، ضرورت بازنگری در نقش مدارس را بیش از پیش آشکار ساخته است.

اگرچه توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است، اما تحقق آن صرفاً از طریق تغییر محتوای کتاب‌های درسی امکان‌پذیر نیست. پژوهشگران حوزه آموزش معتقدند که این شایستگی‌ها در بستر تعاملات روزمره مدرسه، روش‌های تدریس، فرهنگ یادگیری، مشارکت دانش‌آموزان و شیوه رهبری آموزشی شکل می‌گیرند (Fadel, Bialik, & Trilling, 2015). به بیان دیگر، مدرسه زمانی می‌تواند آینده‌نگر باشد که همه ارکان آن در جهت توسعه این شایستگی‌ها همسو عمل کنند.

در این میان، معلمان دوره ابتدایی نقش بنیادینی در شکل‌گیری این توانمندی‌ها دارند؛ زیرا سال‌های نخست تحصیل، دوره شکل‌گیری بسیاری از مهارت‌های شناختی، اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان است. انتخاب راهبردهای یاددهی-یادگیری فعال، طراحی موقعیت‌های حل مسئله، تقویت یادگیری مشارکتی و ایجاد فرصت برای تفکر و خلاقیت، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر در این دوره کمک کند.

در کنار معلمان، معاونان آموزشی نیز با هدایت برنامه‌های توسعه حرفه‌ای، حمایت از نوآوری‌های آموزشی، ایجاد هماهنگی میان معلمان و فراهم کردن بستر مناسب برای اجرای برنامه‌های تحول‌آفرین، نقش تعیین‌کننده‌ای در نهادینه شدن این رویکرد در مدرسه دارند. مطالعات حوزه رهبری آموزشی نشان می‌دهد که کیفیت تغییرات آموزشی، ارتباط مستقیمی با میزان حمایت و هدایت مدیران و معاونان مدارس دارد (Hallinger, 2011; Fullan, 2007).

از سوی دیگر، دبیران تربیت‌بدنی نیز می‌توانند سهم مهمی در توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر داشته باشند. برخلاف تصور رایج، درس تربیت‌بدنی تنها به رشد آمادگی جسمانی محدود نیست، بلکه محیطی مناسب برای پرورش مهارت‌هایی مانند کار تیمی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، مدیریت هیجان، مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری و رهبری فراهم می‌کند. پژوهش‌های مربوط به سواد بدنی

(Physical Literacy) نیز نشان می‌دهد که فعالیت‌های حرکتی هدفمند می‌توانند زمینه رشد بسیاری از شایستگی‌های فردی و اجتماعی مورد نیاز قرن بیست و یکم را فراهم آورند (Cairney et al., 2019; Whitehead, 2010).

با وجود افزایش مطالعات مرتبط با مهارت‌های قرن بیست و یکم و شایستگی‌های آینده، بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که بخش عمده این مطالعات، بر شناسایی مهارت‌ها یا بررسی نقش معلمان به صورت منفرد تمرکز داشته‌اند و پژوهش‌های اندکی به طراحی یک الگوی مدرسه‌محور پرداخته‌اند که بتواند نقش مکمل معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی را به صورت یکپارچه تبیین کند. این خلأ، ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد.

بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر طراحی و اعتبارسنجی الگوی توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دانش‌آموزان با تبیین نقش معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی است. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند چارچوبی کاربردی برای برنامه‌ریزی آموزشی، توسعه حرفه‌ای معلمان و ارتقای کیفیت یادگیری در مدارس ارائه دهد و زمینه آمادگی بهتر دانش‌آموزان برای مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌های آینده را فراهم سازد.

مبانی نظری و مرور ادبیات پژوهش

تحولات پرشتاب علمی، فناوری و اجتماعی در دهه‌های اخیر، موجب تغییر رویکرد نظام‌های آموزشی از آموزش مبتنی بر انتقال دانش به آموزش مبتنی بر توسعه شایستگی شده است. در این رویکرد، هدف اصلی آموزش تنها کسب اطلاعات نیست، بلکه توانمندسازی دانش‌آموزان برای استفاده مؤثر از دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌ها در مواجهه با موقعیت‌های پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر آینده است. بر همین اساس، مفهوم شایستگی‌های آینده‌نگر (Future Competencies) به یکی از محورهای اصلی پژوهش‌ها و سیاست‌های آموزشی در سطح جهان تبدیل شده است (OECD, 2019).

بر اساس چارچوب Learning Compass 2030، شایستگی‌های آینده‌نگر مجموعه‌ای از توانایی‌های شناختی، اجتماعی، هیجانی و اخلاقی هستند که افراد را برای یادگیری مادام‌العمر، سازگاری با تغییرات، مشارکت مسئولانه در جامعه و خلق ارزش برای خود و دیگران آماده می‌کنند. این چارچوب، سه عنصر «دانش»، «مهارت» و «نگرش و ارزش‌ها» را به صورت یک نظام یکپارچه در نظر می‌گیرد و بر نقش عاملیت یادگیرنده (Student Agency) در ساختن آینده تأکید می‌کند (OECD, 2019). در این نگاه، دانش‌آموز صرفاً دریافت‌کننده آموزش نیست، بلکه بازیگری فعال در فرایند یادگیری و تصمیم‌گیری محسوب می‌شود.

همسو با این دیدگاه، UNESCO (2021) نیز در گزارش Reimagining Our Futures Together تأکید می‌کند که آموزش آینده باید به پرورش انسان‌هایی منجر شود که توانایی تفکر انتقادی، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همکاری، خلاقیت و تصمیم‌گیری اخلاقی را داشته باشند. این گزارش، مدرسه را مهم‌ترین بستر توسعه شایستگی‌هایی می‌داند که یادگیرندگان را برای مواجهه با چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، تحولات فناوری، نابرابری‌های اجتماعی و تغییرات بازار کار آماده می‌کند.

در سال‌های اخیر، مفهوم آموزش چهاربعدی (Four-Dimensional Education) نیز توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است (Fadel, Bialik, و Trilling, 2015). معتقدند آموزش آینده باید بر چهار بعد مکمل شامل «دانش»، «مهارت‌ها»، «ویژگی‌های شخصیتی» و «فراشناخت» استوار باشد. از دیدگاه آنان، یادگیری زمانی اثربخش خواهد بود که دانش‌آموز علاوه بر کسب دانش، توانایی به‌کارگیری آن در حل مسائل واقعی، همکاری با دیگران، مدیریت یادگیری خود و سازگاری با شرایط جدید را نیز کسب کند. این چارچوب، مبنای بسیاری از برنامه‌های تحول آموزشی در کشورهای مختلف قرار گرفته است.

از سوی دیگر، UNICEF (2019) در چارچوب مهارت‌های انتقال‌پذیر (Transferable Skills) بیان می‌کند که مهارت‌هایی مانند ارتباط مؤثر، همکاری، حل مسئله، خلاقیت، تاب‌آوری، خودآگاهی و تصمیم‌گیری، قابلیت انتقال به موقعیت‌های گوناگون زندگی را دارند و توسعه آن‌ها باید از سال‌های نخست آموزش رسمی آغاز شود. این دیدگاه با یافته‌های پژوهش‌های روان‌شناسی

تربیتی نیز همسو است که دوره ابتدایی را حساس‌ترین مرحله برای شکل‌گیری بسیاری از مهارت‌های شناختی، اجتماعی و هیجانی می‌دانند.

در ادبیات آموزش، توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر ارتباط نزدیکی با نظریه یادگیری عمیق (Deep Learning) دارد (Fullan, Quinn و McEachen (2018 معتقدند یادگیری زمانی عمیق و پایدار خواهد بود که دانش‌آموز بتواند دانش خود را در موقعیت‌های جدید به کار گیرد، با دیگران همکاری کند، مسئولیت یادگیری خود را بپذیرد و برای حل مسائل واقعی اقدام کند. در چنین رویکردی، نقش معلم از انتقال‌دهنده اطلاعات به تسهیل‌گر یادگیری تغییر می‌یابد و مدرسه به محیطی برای تجربه، تعامل، بازاندیشی و نوآوری تبدیل می‌شود.

در این میان، معلمان دوره ابتدایی مهم‌ترین نقش را در پایه‌گذاری این شایستگی‌ها بر عهده دارند. استفاده از روش‌هایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری مشارکتی، آموزش مبتنی بر حل مسئله، بازی‌های آموزشی و گفت‌وگوی کلاسی، می‌تواند فرصت مناسبی برای تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری و خودتنظیمی دانش‌آموزان فراهم کند. پژوهش‌های Hattie (2009) نیز نشان می‌دهد که کیفیت تعاملات آموزشی و بازخورد معلمان، از مؤثرترین عوامل در ارتقای یادگیری و رشد شایستگی‌های فراشناختی است.

در کنار معلمان، معاونان آموزشی نیز نقش مهمی در ایجاد زیرساخت‌های توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دارند. رهبری آموزشی اثربخش، حمایت از نوآوری، فراهم کردن فرصت‌های یادگیری حرفه‌ای برای معلمان، ایجاد فرهنگ همکاری و هدایت برنامه‌های تحول آموزشی، از مهم‌ترین مسئولیت‌هایی است که می‌تواند بر کیفیت اجرای برنامه‌های مدرسه اثرگذار باشد (Hallinger, Fullan, 2007; 2011). بدون وجود چنین رهبری‌ای، حتی برنامه‌های آموزشی نوآورانه نیز اغلب به تغییرات مقطعی و ناپایدار محدود می‌شوند.

از منظر دیگری، دبیران تربیت‌بدنی نیز ظرفیت قابل توجهی برای توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دارند. فعالیت‌های حرکتی گروهی، بازی‌های مشارکتی، ورزش‌های تیمی و موقعیت‌های رقابتی کنترل‌شده، بستری طبیعی برای پرورش مهارت‌هایی مانند همکاری، تصمیم‌گیری، حل تعارض، تاب‌آوری، خودمدیریتی و رهبری فراهم می‌کنند. مفهوم سواد بدنی (Physical Literacy) نیز بر همین نکته تأکید دارد که رشد حرکتی، شناختی، عاطفی و اجتماعی باید به‌صورت یکپارچه دنبال شود و فعالیت بدنی می‌تواند نقش مهمی در توسعه شایستگی‌های مورد نیاز آینده ایفا کند (Cairney et al., 2019; Whitehead, 2010).

با وجود گسترش پژوهش‌های مرتبط با مهارت‌های قرن بیست‌ویکم و آموزش آینده، بررسی مطالعات داخلی نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها بر شناسایی یا اولویت‌بندی مهارت‌ها تمرکز داشته‌اند و کمتر به طراحی یک الگوی مدرسه‌محور پرداخته‌اند که بتواند نقش مکمل معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی را در توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر تبیین کند. ازاین‌رو، طراحی چنین الگویی می‌تواند علاوه بر غنای ادبیات پژوهش، راهنمایی کاربردی برای سیاست‌گذاران، مدیران مدارس و معلمان در جهت آماده‌سازی دانش‌آموزان برای آینده باشد.

چارچوب مفهومی توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دانش‌آموزان

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر، فرایندی چندبعدی است که تحقق آن مستلزم تعامل میان برنامه‌های آموزشی، رهبری مدرسه، فرهنگ یادگیری، روابط حرفه‌ای معلمان و مشارکت فعال دانش‌آموزان است. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که یادگیری را معادل انتقال دانش می‌دانستند، رویکردهای جدید آموزش بر ایجاد محیط‌های یادگیری پویا تأکید دارند؛ محیط‌هایی که در آن دانش‌آموزان بتوانند تجربه کنند، بیندیشند، همکاری کنند، اشتباه کنند و از طریق بازاندیشی، شایستگی‌های لازم برای زندگی آینده را کسب نمایند (UNESCO, 2021; OECD, 2019).

در این چارچوب، مدرسه صرفاً محل آموزش محتوای درسی نیست، بلکه یک زیست‌بوم یادگیری (Learning Ecosystem) است که تمامی اجزای آن در شکل‌گیری شایستگی‌های آینده‌نگر نقش دارند. بر همین اساس، الگوی مفهومی پژوهش حاضر بر چهار بعد اصلی استوار است.

۱. رهبری آینده‌نگر مدرسه

نخستین بعد، رهبری آینده‌نگر است. مطالعات حوزه رهبری آموزشی نشان می‌دهد که مدارس موفق، صرفاً بر اجرای برنامه درسی تمرکز نمی‌کنند، بلکه چشم‌اندازی روشن برای آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت زندگی آینده ترسیم می‌کنند. مدیران و معاونان آموزشی با حمایت از نوآوری، ایجاد فرهنگ یادگیری، تشویق همکاری میان معلمان و فراهم کردن فرصت‌های توسعه حرفه‌ای، زمینه تحقق این چشم‌انداز را فراهم می‌سازند (Fullan, 2007; Hallinger, 2011).

در این پژوهش، رهبری آینده‌نگر شامل مؤلفه‌هایی مانند:

- حمایت از نوآوری‌های آموزشی
- برنامه‌ریزی برای توسعه شایستگی‌های آینده
- توانمندسازی معلمان
- ایجاد فرهنگ یادگیری مستمر
- هدایت تحول آموزشی در سطح مدرسه

چنین رویکردی موجب می‌شود مدرسه از محیطی صرفاً آموزشی به سازمانی یادگیرنده تبدیل شود.

۲. شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان

دومین بعد، شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان است. توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دانش‌آموزان، مستلزم آن است که معلمان از روش‌های تدریس فعال، یادگیری مبتنی بر مسئله، پروژه‌های گروهی، گفت‌وگوی کلاسی، تفکر انتقادی و ارزشیابی فرایندی استفاده کنند. در چنین شرایطی، نقش معلم از انتقال‌دهنده اطلاعات به تسهیل‌گر یادگیری تغییر می‌یابد (Hattie, 2009; Fadel et al., 2015).

مؤلفه‌های این بعد عبارت‌اند از:

- طراحی یادگیری فعال
- پرورش تفکر انتقادی و خلاق
- هدایت یادگیری مشارکتی
- تقویت خودتنظیمی یادگیرندگان
- استفاده از فناوری‌های آموزشی متناسب با اهداف یادگیری
- ارزشیابی مستمر فرایند یادگیری

این مؤلفه‌ها، زمینه را برای یادگیری عمیق و پایدار فراهم می‌کنند و دانش‌آموز را برای مواجهه با مسائل پیچیده آینده آماده می‌سازند.

۳. فرهنگ یادگیری و همکاری مدرسه

بعد سوم، فرهنگ یادگیری مدرسه است. پژوهش‌های OECD و Fullan نشان می‌دهد که شایستگی‌های آینده در مدارس رشد می‌کنند که همکاری، گفت‌وگو، خلاقیت و یادگیری مستمر، بخشی از فرهنگ سازمانی آن‌ها باشد. در چنین مدرسه‌ای، معلمان تجربه‌های آموزشی خود را به اشتراک می‌گذارند، از یکدیگر می‌آموزند و در حل مسائل آموزشی مشارکت می‌کنند.

در این میان، دبیران تربیت‌بدنی نیز می‌توانند سهم مؤثری در توسعه این فرهنگ داشته باشند. بسیاری از شایستگی‌های آینده‌نگر مانند همکاری، رهبری، مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری، مدیریت تعارض و تصمیم‌گیری در فعالیتهای ورزشی و بازی‌های گروهی به‌صورت عملی تجربه می‌شوند. از این رو، درس تربیت‌بدنی می‌تواند یکی از بسترهای مهم یادگیری این شایستگی‌ها در مدرسه باشد (Cairney et al., 2019; Whitehead, 2010).

مؤلفه‌های این بعد عبارت‌اند از:

- یادگیری حرفه‌ای مشارکتی
- فرهنگ تبادل تجربه
- نوآوری آموزشی
- مشارکت بین‌رشته‌ای معلمان
- استفاده از ظرفیت تربیت‌بدنی در توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی

۴. عاملیت و مشارکت فعال دانش‌آموزا

چهارمین بعد، عاملیت دانش‌آموز (Student Agency) است که یکی از مفاهیم محوری چارچوب OECD Learning Compass 2030 محسوب می‌شود. در این دیدگاه، دانش‌آموز تنها دریافت‌کننده آموزش نیست، بلکه فردی است که اهداف یادگیری خود را می‌شناسد، درباره مسیر یادگیری تصمیم می‌گیرد، مسئولیت عملکرد خود را می‌پذیرد و در حل مسائل واقعی مشارکت می‌کند (OECD, 2019).

مؤلفه‌های این بعد شامل:

- خودتنظیمی در یادگیری
- تصمیم‌گیری آگاهانه
- مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی
- مشارکت در فعالیتهای گروهی
- یادگیری مادام‌العمر
- انعطاف‌پذیری در مواجهه با تغییرات

وجود این مؤلفه‌ها موجب می‌شود دانش‌آموزان، به جای حفظ صرف اطلاعات، توانایی استفاده از آموخته‌های خود را در موقعیت‌های جدید به دست آورند.

تعامل میان ابعاد الگو

ویژگی متمایز الگوی پیشنهادی آن است که این چهار بعد، به‌صورت مستقل عمل نمی‌کنند، بلکه در ارتباطی پویا و متقابل قرار دارند. رهبری آینده‌نگر بستر تحول مدرسه را فراهم می‌کند؛ شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان کیفیت یادگیری را ارتقا می‌دهد؛ فرهنگ همکاری و یادگیری سازمانی زمینه تبادل تجربه و نوآوری را ایجاد می‌کند و عاملیت دانش‌آموزان موجب می‌شود فرایند یادگیری از حالت منفعل به یادگیری فعال، مسئولانه و آینده‌نگر تبدیل شود. بر این اساس، پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر، نتیجه تعامل میان رهبری آموزشی، توانمندسازی معلمان، فرهنگ مدرسه و مشارکت فعال دانش‌آموزان است و هیچ‌یک از این ابعاد به‌تنهایی قادر به تحقق اهداف آموزش آینده نخواهد بود.

ابعاد و مؤلفه‌های الگوی توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دانش‌آموزان

بررسی ادبیات نظری و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر، تنها به آموزش چند مهارت محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ایجاد یک نظام یادگیری پویا در سطح مدرسه است؛ نظامی که در آن رهبری آموزشی، توانمندسازی معلمان، مشارکت فعال دانش‌آموزان و فرهنگ یادگیری مستمر در تعامل با یکدیگر قرار گیرند. بر همین اساس، الگوی پیشنهادی این پژوهش از چهار بعد اصلی و مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مکمل تشکیل شده است.

۱. بعد رهبری آینده‌نگر مدرسه

رهبری آموزشی یکی از بنیادی‌ترین عوامل موفقیت برنامه‌های تحول آموزشی محسوب می‌شود. در مدارس آینده‌نگر، مدیران و معاونان آموزشی تنها نقش اجرایی ندارند، بلکه با ایجاد چشم‌انداز مشترک، حمایت از نوآوری و هدایت یادگیری حرفه‌ای معلمان، زمینه توسعه شایستگی‌های آینده را فراهم می‌کنند (Fullan, 2007; Hallinger, 2011).

در این پژوهش، مهم‌ترین مؤلفه‌های این بعد عبارت‌اند از:

- تدوین چشم‌انداز مدرسه مبتنی بر آموزش آینده
 - حمایت از نوآوری‌های آموزشی و روش‌های تدریس فعال
 - ایجاد فرصت‌های توسعه حرفه‌ای برای معلمان
 - هدایت برنامه‌های یادگیری مشارکتی
 - پایش مستمر کیفیت اجرای برنامه‌های آموزشی
 - ایجاد ارتباط میان مدرسه، خانواده و جامعه در راستای توسعه شایستگی‌های آینده
- وجود این مؤلفه‌ها موجب می‌شود مدرسه از یک سازمان آموزشی سنتی به سازمانی یادگیرنده و نوآور تبدیل شود.

۲. بعد شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان

نقش معلمان در توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر، صرفاً انتقال مفاهیم درسی نیست؛ بلکه طراحی تجربه‌های یادگیری است که دانش‌آموزان را به تفکر، جست‌وجو، همکاری و حل مسئله سوق دهد. بر اساس چارچوب Four-Dimensional Education، معلم باید فرصت‌هایی فراهم کند که دانش‌آموزان بتوانند دانش را در موقعیت‌های واقعی به کار گیرند و از طریق تجربه، شایستگی‌های جدید را توسعه دهند (Fadel et al., 2015).

مؤلفه‌های این بعد عبارت‌اند از:

- طراحی فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر مسئله
- به‌کارگیری یادگیری پروژه‌محور
- تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت
- استفاده از گفت‌وگوی آموزشی و پرسشگری
- تلفیق فناوری‌های آموزشی با اهداف یادگیری
- ارزشیابی فرایندی و ارائه بازخورد مستمر
- هدایت یادگیری خودراهبر و خودتنظیم

توسعه این شایستگی‌ها، کیفیت تجربه یادگیری دانش‌آموزان را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. بعد یادگیری مشارکتی و فرهنگ نوآوری

پژوهش‌های مرتبط با بهبود مدرسه نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های آینده، در مدارس پایدارتر است که فرهنگ یادگیری جمعی و نوآوری در آن‌ها نهادینه شده باشد. در چنین مدرسی، معلمان به صورت مستمر تجربه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند، از بازخورد همکاران استفاده می‌کنند و برای حل مسائل آموزشی به صورت گروهی تصمیم می‌گیرند (DuFour & Eaker, 1998; Fullan, 2007).

در این میان، دبیران تربیت‌بدنی نیز می‌توانند نقش ویژه‌ای ایفا کنند. فعالیت‌های حرکتی، بازی‌های گروهی، ورزش‌های تیمی و موقعیت‌های رقابتی کنترل‌شده، فرصت مناسبی برای پرورش همکاری، رهبری، مدیریت هیجان، مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری فراهم می‌کنند؛ شایستگی‌هایی که در اغلب چارچوب‌های آموزش آینده به عنوان توانمندی‌های کلیدی معرفی شده‌اند (Cairney et al., 2019; Whitehead, 2010).

مؤلفه‌های این بعد شامل:

- یادگیری حرفه‌ای مشارکتی معلمان
- اشتراک تجربه‌های آموزشی
- توسعه نوآوری در تدریس
- همکاری میان معلمان رشته‌های مختلف
- بهره‌گیری از ظرفیت تربیت‌بدنی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی
- حمایت از اجرای فعالیت‌های بین‌رشته‌ای

۴. بعد توسعه عاملیت و یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آموزش آینده، انتقال محوریت یادگیری از معلم به دانش‌آموز است. در چارچوب OECD، «عاملیت دانش‌آموز» به معنای توانایی او در تعیین هدف، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، بازنگری عملکرد و مشارکت فعال در یادگیری است (OECD, 2019).

بر این اساس، مهم‌ترین مؤلفه‌های این بعد عبارت‌اند از:

- خودآگاهی نسبت به توانایی‌ها و نیازهای یادگیری
- هدف‌گذاری فردی
- خودتنظیمی و مدیریت یادگیری
- انعطاف‌پذیری در مواجهه با تغییر
- مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی
- مشارکت در حل مسائل واقعی
- یادگیری مادام‌العمر

تقویت این مؤلفه‌ها موجب می‌شود دانش‌آموزان در مواجهه با شرایط جدید، صرفاً به دانسته‌های قبلی متکی نباشند، بلکه بتوانند دانش، مهارت و نگرش خود را برای حل مسائل جدید به کار گیرند.

ارتباط میان ابعاد الگو

الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر، رابطه‌ای تعاملی میان چهار بعد فوق ترسیم می‌کند. رهبری آینده‌نگر مدرسه بستر اجرای تغییرات آموزشی را فراهم می‌آورد؛ شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان کیفیت تجربه‌های یادگیری را ارتقا می‌دهد؛ فرهنگ نوآوری و یادگیری مشارکتی زمینه رشد حرفه‌ای معلمان و توسعه فعالیت‌های بین‌رشته‌ای را ایجاد می‌کند و در نهایت، عاملیت دانش‌آموزان به تحقق یادگیری عمیق و توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر منجر می‌شود.

در این الگو، نقش معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی مکمل یکدیگر است. معلمان، طراحی و هدایت یادگیری را بر عهده دارند؛ معاونان آموزشی، رهبری و پشتیبانی تحول را فراهم می‌کنند و دبیران تربیت‌بدنی با ایجاد موقعیت‌های عملی برای همکاری، تصمیم‌گیری، تاب‌آوری و مسئولیت‌پذیری، بخشی از شایستگی‌های آینده‌نگر را در عمل پرورش می‌دهند. این تعامل، الگوی پژوهش را از بسیاری از مطالعاتی که تنها بر نقش یک گروه از عوامل آموزشی تمرکز دارند، متمایز می‌سازد.

جمع‌بندی مبانی نظری و تبیین مدل مفهومی پژوهش

مرور ادبیات پژوهش نشان داد که توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر، یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های نظام‌های آموزشی در عصر حاضر است. برخلاف رویکردهای سنتی که موفقیت آموزشی را عمدتاً بر اساس انتقال دانش و کسب نمره ارزیابی می‌کردند، رویکردهای جدید بر پرورش توانایی‌هایی تأکید دارند که دانش‌آموزان را برای زندگی، یادگیری و اشتغال در آینده آماده می‌سازد. بر همین اساس، اسناد مرجع بین‌المللی، از جمله OECD Learning Compass 2030 و گزارش UNESCO (2021)، توسعه شایستگی‌هایی نظیر تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری، مسئولیت‌پذیری، یادگیری مادام‌العمر، سواد دیجیتال و عاملیت یادگیرنده را از اهداف بنیادین آموزش معرفی کرده‌اند (UNESCO, 2021; OECD, 2019).

با وجود این، بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بخش عمده پژوهش‌ها بر شناسایی یا اولویت‌بندی مهارت‌های آینده تمرکز داشته‌اند و کمتر به این پرسش پرداخته‌اند که مدرسه چگونه می‌تواند به‌صورت سازمان‌یافته زمینه توسعه این شایستگی‌ها را فراهم کند. بسیاری از مطالعات، نقش معلم یا برنامه درسی را به‌صورت مستقل بررسی کرده‌اند، در حالی که تحقق شایستگی‌های آینده‌نگر، نیازمند تعامل میان رهبری آموزشی، فرهنگ مدرسه، یادگیری حرفه‌ای معلمان و مشارکت فعال دانش‌آموزان است. یکی از یافته‌های مهم ادبیات نظری، نقش تعیین‌کننده رهبری آموزشی در ایجاد تحول پایدار است. پژوهش‌های Fullan (2007) و Hallinger (2011) نشان می‌دهد که تغییرات آموزشی زمانی پایدار خواهند بود که مدیران و معاونان آموزشی، علاوه بر ایفای نقش اداری، هدایت یادگیری حرفه‌ای معلمان، حمایت از نوآوری‌های آموزشی و ایجاد فرهنگ همکاری را در اولویت قرار دهند. بنابراین، توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر نیز بدون وجود رهبری آموزشی اثربخش، به برنامه‌هایی پراکنده و کوتاه‌مدت محدود خواهد شد.

از سوی دیگر، مرور مطالعات نشان داد که معلمان دوره ابتدایی به دلیل ارتباط مستمر با دانش‌آموزان، نقش محوری در شکل‌گیری بسیاری از شایستگی‌های شناختی، اجتماعی و هیجانی دارند. استفاده از راهبردهایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله، گفت‌وگوی کلاسی، فعالیت‌های مشارکتی و ارزشیابی تکوینی، می‌تواند فرصت مناسبی برای رشد خلاقیت، تفکر انتقادی، خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری فراهم آورد (Hattie, 2009; Fadel et al., 2015).

در کنار این گروه، دبیران تربیت‌بدنی نیز ظرفیتی فراتر از آموزش مهارت‌های حرکتی دارند. فعالیت‌های ورزشی و بازی‌های گروهی، محیطی طبیعی برای تجربه همکاری، تصمیم‌گیری، مدیریت هیجان، رهبری، احترام به قوانین، حل تعارض و تاب‌آوری ایجاد می‌کنند. این ویژگی‌ها، همگی در چارچوب‌های بین‌المللی آموزش آینده به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی شایستگی‌های آینده‌نگر معرفی شده‌اند (Cairney et al., 2019; Whitehead, 2010). از این رو، حضور دبیران تربیت‌بدنی در الگوی پیشنهادی پژوهش، تنها به دلیل جایگاه درس تربیت‌بدنی نیست، بلکه به دلیل ظرفیت این درس در توسعه شایستگی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است.

تحلیل انتقادی پیشینه پژوهش همچنین نشان داد که در مطالعات داخلی، پژوهشی که بتواند نقش معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی را به‌صورت هم‌زمان در قالب یک الگوی مدرسه‌محور برای توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر تبیین کند، بسیار محدود است. این خلأ پژوهشی، ضرورت طراحی الگویی جامع و متناسب با ساختار مدارس ایران را برجسته می‌کند.

بر پایه مبانی نظری، مدل مفهومی اولیه پژوهش حاضر بر چهار بعد اساسی استوار است:

۱. رهبری آینده‌نگر مدرسه؛ شامل چشم‌انداز تحول آموزشی، حمایت مدیریتی، توسعه حرفه‌ای معلمان و ایجاد فرهنگ نوآوری.
۲. شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان؛ شامل طراحی یادگیری فعال، تقویت تفکر انتقادی، استفاده از روش‌های نوین تدریس، ارزشیابی فرایندی و تلفیق فناوری در آموزش.
۳. فرهنگ یادگیری مشارکتی مدرسه؛ شامل همکاری حرفه‌ای معلمان، نوآوری آموزشی، فعالیت‌های بین‌رشته‌ای و بهره‌گیری از ظرفیت درس تربیت‌بدنی برای توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی.
۴. عاملیت و یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان؛ شامل خودتنظیمی، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، مشارکت فعال، حل مسئله و یادگیری مادام‌العمر.

فرض اساسی این پژوهش آن است که این چهار بعد در تعامل با یکدیگر، زمینه شکل‌گیری شایستگی‌های آینده‌نگر را فراهم می‌کنند. رهبری آموزشی، بستر تحول مدرسه را ایجاد می‌کند؛ معلمان با طراحی تجربه‌های یادگیری معنادار، فرصت رشد این شایستگی‌ها را فراهم می‌سازند؛ فرهنگ یادگیری مشارکتی، استمرار نوآوری و یادگیری حرفه‌ای را تضمین می‌کند و در نهایت، مشارکت فعال دانش‌آموزان، توسعه پایدار شایستگی‌های آینده‌نگر را امکان‌پذیر می‌سازد. بر این اساس، پژوهش حاضر در ادامه، از طریق مصاحبه با متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی، مدیریت آموزشی، آموزش ابتدایی، روان‌شناسی تربیتی و تربیت‌بدنی، به استخراج و پالایش مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی خواهد پرداخت. سپس در مرحله کمی، اعتبار و برازش این الگو با استفاده از روش‌های آماری مناسب مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی متوالی (Exploratory Sequential Design) است. انتخاب این روش به دلیل ماهیت پژوهش، یعنی طراحی و اعتبارسنجی الگوی توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دانش‌آموزان، صورت گرفت؛ به گونه‌ای که در مرحله نخست، ابعاد و مؤلفه‌های الگو از طریق داده‌های کیفی استخراج و در مرحله دوم، اعتبار و برازش الگوی پیشنهادی با استفاده از داده‌های کمی ارزیابی شد (Creswell & Plano Clark, 2018).

جامعه پژوهش

جامعه پژوهش در بخش کیفی شامل اعضای هیئت علمی رشته‌های برنامه‌ریزی درسی، مدیریت آموزشی، روان‌شناسی تربیتی، آموزش ابتدایی، برنامه‌ریزی آموزشی و تربیت‌بدنی، همچنین مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش دارای تجربه در حوزه تحول آموزشی و توسعه شایستگی‌های دانش‌آموزان بود. مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیارهایی نظیر سابقه علمی، تجربه اجرایی و آشنایی با مباحث آموزش آینده انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت (Patton, 2015).

در بخش کمی، جامعه آماری شامل معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت‌بدنی مدارس بود که به‌منظور اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی، در پژوهش مشارکت کردند. انتخاب نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری مناسب و متناسب با اهداف پژوهش انجام شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

در مرحله کیفی، داده‌ها از طریق مطالعه اسناد، بررسی منابع علمی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. پرسش‌های مصاحبه با اتکا به ادبیات پژوهش، اسناد بین‌المللی آموزش آینده و اهداف پژوهش طراحی شد و دیدگاه متخصصان درباره ابعاد، مؤلفه‌ها، الزامات، موانع و راهکارهای توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر در مدارس مورد بررسی قرار گرفت.

در مرحله کمی، بر اساس یافته‌های بخش کیفی، پرسشنامه محقق ساخته تدوین شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با بهره‌گیری از نظر متخصصان بررسی و اصلاح گردید و پایایی آن نیز با استفاده از شاخص‌هایی مانند ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ارزیابی شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بخش کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بر اساس رویکرد Braun و Clarke (2006) تحلیل شد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، کدگذاری اولیه انجام گرفت و سپس کدهای مشابه در قالب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر طبقه‌بندی شدند تا ابعاد و مؤلفه‌های الگوی توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر استخراج شود. در بخش کمی، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری مناسب مورد تحلیل قرار گرفت. در گام نخست، شاخص‌های توصیفی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان بررسی شد. سپس برای ارزیابی روایی سازه، اعتبار همگرا و واگرا و همچنین بررسی روابط میان ابعاد الگوی پیشنهادی، از تحلیل عاملی تأییدی (Confirmatory Factor Analysis) و مدل‌یابی معادلات ساختاری (Structural Equation Modeling) استفاده شد. همچنین شاخص‌های برازش مدل به‌منظور ارزیابی میزان انطباق مدل مفهومی با داده‌های گردآوری‌شده گزارش خواهد شد (Hair et al., 2022).

راهبردهای افزایش اعتبار پژوهش

به‌منظور افزایش اعتبار یافته‌های بخش کیفی، از راهبردهایی نظیر بازبینی مشارکت‌کنندگان (Member Checking)، بررسی توسط هم‌تایان علمی (Peer Debriefing) و مقایسه مستمر داده‌ها استفاده خواهد شد. همچنین برای افزایش قابلیت اعتماد تحلیل‌ها، فرایند کدگذاری و استخراج مضامین با دقت مستندسازی می‌شود تا امکان پیگیری مراحل تحلیل برای پژوهشگران دیگر نیز فراهم باشد (Lincoln & Guba, 1985). در بخش کمی نیز، علاوه بر بررسی شاخص‌های روایی و پایایی ابزار، از شاخص‌های متداول برازش مدل و معیارهای استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای ارزیابی کیفیت الگوی پیشنهادی استفاده خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل اجرای پژوهش، اصول اخلاق پژوهش رعایت خواهد شد. پیش از انجام مصاحبه‌ها، هدف پژوهش برای مشارکت‌کنندگان تشریح و رضایت آگاهانه آنان اخذ می‌شود. همچنین به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده خواهد شد که اطلاعات گردآوری‌شده صرفاً برای اهداف علمی مورد استفاده قرار گرفته و محرمانگی داده‌ها و ناشناس ماندن پاسخ‌دهندگان حفظ خواهد شد. مشارکت در پژوهش نیز کاملاً داوطلبانه بوده و افراد در هر مرحله امکان انصراف از همکاری را خواهند داشت.

یافته‌های پژوهش

با توجه به ماهیت آمیخته پژوهش، یافته‌ها در دو بخش کیفی و کمی ارائه خواهند شد. در مرحله کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان، پس از کدگذاری و تحلیل مضمون، به استخراج ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر دانش‌آموزان منجر خواهد شد. بر اساس مبانی نظری پژوهش، انتظار می‌رود مضامین استخراج‌شده در قالب چهار بعد اصلی شامل رهبری آینده‌نگر مدرسه، شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان، فرهنگ یادگیری مشارکتی و عاملیت دانش‌آموزان سازمان‌دهی شوند. هر یک از این ابعاد نیز مشتمل بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی خواهد بود که بر پایه اشتراک مفهومی کدهای اولیه و تأیید خبرگان تدوین می‌شوند (Braun & Clarke, 2006). در ادامه، یافته‌های بخش کیفی مبنای طراحی پرسشنامه پژوهش قرار خواهد گرفت. گویه‌های پرسشنامه بر اساس مضامین استخراج‌شده تدوین و پس از بررسی روایی صوری و محتوایی، در اختیار جامعه آماری قرار خواهند گرفت تا اعتبار الگوی پیشنهادی مورد ارزیابی قرار گیرد.

در بخش کمی، الگوی مفهومی استخراج شده از مرحله کیفی با استفاده از داده‌های گردآوری شده از معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت بدنی اعتبارسنجی خواهد شد. در این مرحله، روایی سازه، اعتبار همگرا، اعتبار واگرا، پایایی سازه‌ها و میزان برازش مدل مفهومی با بهره‌گیری از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی خواهد شد (Hair et al., 2022).

انتظار می‌رود نتایج اعتبارسنجی نشان دهد که ابعاد پیشنهادی پژوهش از انسجام مفهومی مناسبی برخوردار بوده و روابط میان رهبری آینده‌نگر، توانمندسازی معلمان، فرهنگ یادگیری مدرسه و عاملیت دانش‌آموزان، چارچوبی منسجم برای توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر فراهم می‌کند. همچنین انتظار می‌رود الگوی نهایی بتواند تصویری روشن از نقش مکمل سه گروه اصلی مشارکت‌کننده در پژوهش، یعنی معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت بدنی، در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مواجهه با چالش‌های آینده ارائه دهد.

از منظر کاربردی، الگوی پیشنهادی می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان، بازنگری برنامه‌های مدرسه، تدوین دوره‌های آموزش ضمن خدمت و تقویت فعالیت‌های بین‌رشته‌ای قرار گیرد. همچنین این الگو می‌تواند در تدوین سیاست‌های آموزشی مرتبط با آموزش آینده، ارتقای کیفیت یادگیری و توسعه شایستگی‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در سطوح مختلف آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحولات سریع فناوری، تغییرات ساختاری بازار کار، گسترش هوش مصنوعی و افزایش پیچیدگی مسائل اجتماعی، موجب شده است که نظام‌های آموزشی در سراسر جهان، توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف خود دنبال کنند. در چنین شرایطی، موفقیت دانش‌آموزان تنها به میزان دانش تخصصی آنان وابسته نیست، بلکه توانایی یادگیری مستمر، حل مسئله، همکاری، خلاقیت، سازگاری با تغییر و مسئولیت‌پذیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت زندگی فردی و اجتماعی آنان خواهد داشت (UNESCO, 2021; OECD, 2019). از این رو، مدارس باید از محیط‌هایی برای انتقال دانش، به محیط‌هایی برای پرورش شایستگی‌های آینده تبدیل شوند.

بررسی مبانی نظری پژوهش حاضر نشان داد که توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر، فرایندی چندبعدی و مدرسه‌محور است و تحقق آن صرفاً از طریق اصلاح محتوای کتاب‌های درسی امکان‌پذیر نیست. کیفیت رهبری آموزشی، فرهنگ مدرسه، شیوه‌های تدریس، تعاملات حرفه‌ای معلمان و فرصت‌های مشارکت فعال دانش‌آموزان، همگی در شکل‌گیری این شایستگی‌ها نقش دارند. این یافته با چارچوب Learning Compass 2030 همسو است که یادگیری را حاصل تعامل میان دانش، مهارت، نگرش، ارزش‌ها و عاملیت یادگیرنده می‌داند (OECD, 2019).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی پیشنهادی پژوهش، توجه هم‌زمان به نقش معلمان دوره ابتدایی، معاونان آموزشی و دبیران تربیت بدنی است. بسیاری از پژوهش‌های پیشین، تنها بر نقش معلم یا برنامه درسی تمرکز داشته‌اند، اما در این پژوهش، مدرسه به‌عنوان یک نظام یکپارچه در نظر گرفته شده است که در آن هر یک از عوامل آموزشی، وظیفه‌ای مکمل در توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر بر عهده دارند.

معلمان دوره ابتدایی به دلیل تعامل مستمر با دانش‌آموزان، می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌هایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله، فعالیت‌های گروهی، گفت‌وگوی کلاسی و ارزشیابی تکوینی، زمینه رشد تفکر انتقادی، خلاقیت، خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری را فراهم کنند. پژوهش‌های Hattie و Fadel (2009) و همکاران (۲۰۱۵) نیز بر نقش کیفیت تدریس و طراحی تجربه‌های یادگیری در توسعه این شایستگی‌ها تأکید کرده‌اند.

در مقابل، معاونان آموزشی با هدایت برنامه‌های توسعه حرفه‌ای، ایجاد فرصت‌های یادگیری سازمانی، حمایت از نوآوری‌های آموزشی و تقویت فرهنگ همکاری میان معلمان، نقش کلیدی در پایداری تغییرات آموزشی ایفا می‌کنند. تجربه نظام‌های آموزشی موفق نشان می‌دهد که تحول پایدار، زمانی محقق می‌شود که رهبری آموزشی بتواند چشم‌اندازی مشترک برای آینده مدرسه ایجاد کرده و معلمان را در مسیر اجرای آن همراه سازد (Hallinger, 2011; Fullan, 2007).

همچنین، دبیران تربیت‌بدنی می‌توانند نقشی فراتر از آموزش مهارت‌های حرکتی ایفا کنند. فعالیت‌های ورزشی، بازی‌های گروهی و موقعیت‌های مشارکتی، فرصت مناسبی برای تمرین همکاری، تصمیم‌گیری، مدیریت هیجان، تاب‌آوری، رهبری و احترام به قوانین فراهم می‌آورد. این مهارت‌ها، مطابق با چارچوب سواد بدنی و اسناد آموزش آینده، از مؤلفه‌های اساسی شایستگی‌های آینده‌نگر محسوب می‌شوند (Whitehead, 2010; Cairney et al., 2019). از این‌رو، تربیت‌بدنی می‌تواند یکی از بسترهای عملی توسعه این شایستگی‌ها در مدرسه باشد.

بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش، توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر زمانی اثربخش خواهد بود که چهار بعد رهبری آینده‌نگر، شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان، فرهنگ یادگیری مشارکتی و عاملیت دانش‌آموزان به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند. ضعف در هر یک از این ابعاد، می‌تواند اثربخشی سایر بخش‌ها را نیز کاهش دهد. به همین دلیل، برنامه‌های بهبود مدرسه باید به جای تمرکز بر یک عامل منفرد، به تعامل میان این ابعاد توجه کنند.

از منظر کاربردی، الگوی پیشنهادی پژوهش می‌تواند در طراحی برنامه‌های توانمندسازی معلمان، بازنگری برنامه‌های توسعه مدرسه، تدوین دوره‌های آموزش ضمن خدمت، طراحی فعالیت‌های بین‌رشته‌ای، ارتقای نقش معاونان آموزشی در رهبری تحول و استفاده هدفمند از ظرفیت درس تربیت‌بدنی برای پرورش شایستگی‌های فردی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، این الگو می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی در تدوین برنامه‌هایی که مدارس را برای پاسخ‌گویی به نیازهای آینده آماده می‌کنند، یاری رساند.

در پایان، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، الگوی حاضر در مقاطع مختلف تحصیلی، مدارس دولتی و غیردولتی و مناطق گوناگون کشور اعتبارسنجی شود. همچنین بررسی نقش هوش مصنوعی در یادگیری، سواد دیجیتال، یادگیری شخصی‌سازی‌شده، شهروندی دیجیتال و پایداری محیط‌زیستی در توسعه شایستگی‌های آینده‌نگر، می‌تواند به تکمیل و توسعه این الگو کمک کند و افق‌های تازه‌ای را برای پژوهش‌های حوزه آموزش بگشاید.

منابع

- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Cairney, J., Dudley, D., Kwan, M. Y. W., Bulten, R., & Kriellaars, D. (2019). Physical literacy, physical activity and health: Toward an evidence-informed conceptual model. *Sports Medicine*, 49(3), 371–383. <https://doi.org/10.1007/s40279-019-01063-3>
- Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2018). *Designing and Conducting Mixed Methods Research* (3rd ed.). Sage Publications.
- Fadel, C., Bialik, M., & Trilling, B. (2015). *Four-Dimensional Education: The Competencies Learners Need to Succeed*. Center for Curriculum Redesign.
- Fullan, M. (2007). *The New Meaning of Educational Change* (4th ed.). Teachers College Press.
- Fullan, M., Quinn, J., & McEachen, J. (2018). *Deep Learning: Engage the World Change the World*. Corwin Press.

- Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2022). *A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM)* (3rd ed.). Sage Publications.
- Hallinger, P. (2011). Leadership for learning: Lessons from 40 years of empirical research. *Journal of Educational Administration*, 49(2), 125–142. <https://doi.org/10.1108/09578231111116699>
- Hattie, J. (2009). *Visible Learning: A Synthesis of Over 800 Meta-Analyses Relating to Achievement*. Routledge.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Sage Publications.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (2019). *OECD Learning Compass 2030: A Series of Concept Notes*. OECD Publishing.
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative Research & Evaluation Methods* (4th ed.). Sage Publications.
- UNESCO. (2021). *Reimagining Our Futures Together: A New Social Contract for Education*. UNESCO Publishing.
- UNICEF. (2019). *Global Framework on Transferable Skills*. UNICEF.
- Whitehead, M. (2010). *Physical Literacy: Throughout the Lifecourse*. Routledge.
- World Economic Forum. (2023). *The Future of Jobs Report 2023*. World Economic Forum.